

فصلنامه مطالعات سیاسی

سال دهم، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۹۷

صفحات: ۲۵-۴۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۵؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۳/۲۳

## بررسی میزان تحقق عدالت اجتماعی در دولت‌های پس از انقلاب بر اساس اندیشه امام خمینی(ره) (۱۳۹۲-۱۳۶۸)

نیکو رضایی جوزانی\* / دکتر احمد بخشایش اردستانی\*\*

### چکیده

نظام جمهوری اسلامی به عنوان نظام برخاسته از خواست و اراده مردم دارای مسایل مخصوص به خود است که از آن جمله، نسبت بین اجرای عدالت در اندیشه بنیان گذار آن و تلاش دولت‌هایی است که در این راستا اقداماتی را انجام داده اند. از طرفی یکی از ابهاماتی که در مورد تحقق عدالت در اندیشه امام خمینی(ره) وجود دارد این است که از نظر ایشان چه نوع عدالتی باید ایجاد گردد و شاخصه‌های آن چیست؟ به منظور پاسخ دادن به این مسأله در قالب پژوهشی کمی و کیفی و با بهره‌گیری از چارچوبی تحلیلی-توصیفی، بر دیدگاه امام خمینی(ره) در مورد عدالت تأکید شد. بر همین اساس متغیر عدالت اجتماعی در اندیشه امام خمینی(ره) در سه دولت هاشمی، خاتمی و احمدی نژاد به عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفت. شاخص این ارزیابی‌ها؛ در بخش عدالت اجتماعی: کاهش فاصله طبقاتی و بهره‌مندی از امکانات بود. در مقاله حاضر این نتیجه حاصل شد که دولت‌های مذکور اگرچه خود را مدیون اندیشه امام خمینی(ره) می‌دانستند و تلاش نمودند در برنامه‌های توسعه‌ای و عملکردی خود به موضوع عدالت اجتماعی بپردازند، اما به دلیل وجود موانع ساختاری و اجرایی در اجرای عدالت اجتماعی چندان موفق نبودند.

### کلیدواژه‌ها

اندیشه امام خمینی(ره)، عدالت، عدالت اجتماعی، کاهش فاصله طبقاتی، بهره‌مندی از امکانات.

\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش اندیشه سیاسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

nikoorezayi6@gmail.com

\*\* استاد گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسؤول).

ahm.bakhshayeshiardestani@iauctb.ac.ir

## مقدمه

عدالت اجتماعی به عنوان یکی از شاخص‌های عدالت در اندیشه امام خمینی (ره) مطرح شد و دولت‌های پس از انقلاب سعی داشتند تا آن را اجرا نمایند. در دولت‌های هاشمی رفسنجانی رشد اقتصادی در دو برنامه اول و دوم توسعه، رشد اقتصادی، اولویت نخست را به خود اختصاص داد، لذا عدالت اجتماعی اگرچه در برنامه توسعه مورد توجه قرار گرفته بود اما در اولویت بعدی قرار داشت. به عنوان مثال در رابطه با توزیع مجدد در آمد به عنوان مبحث عدالت اجتماعی، اعتقاد برنامه اول و دوم بر اولویت رشد اقتصادی بر توزیع در آمد بوده است. زیرا به نظر برنامه ریزان هرچند که سیاست‌های اصلاح توزیع در آمد در کوتاه مدت ممکن است که رفاه نسبی در قشر محروم ایجاد کند ولی در بلند مدت تا در آمد ملی افزایش نیابد سطح رفاه اجتماعی افزایش نخواهد یافت، بنابراین رشد رفاه اجتماعی در گرو رشد ملی و توزیع عادلانه آن است (غلامی نتاج امیری، ۱۳۸۵: ۷۴). در دولت سید محمد خاتمی عدالت اجتماعی به گونه دیگری باز تعریف شد. در واقع از دیدگاه این دولت، کشور باید مسیر رشد اقتصادی خود را طی کرده و در این مسیر طبقات پایین جامعه متضرر نشوند. بر این اساس وی سعی کرد یک نگاه تلفیقی بین مقوله رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی برقرار کند که در آن عدالت اجتماعی اولویت داشته باشد. به عبارت دیگر خاتمی برای ایجاد آرمان اصلی انقلاب اسلامی یعنی رفع فقر، همانند دولت‌های هاشمی رفسنجانی ساماندهی و توسعه اقتصادی کشور را تجویز می‌کرد ولی علاوه بر آن معتقد بود که دولت باید تا زمانی که کشور به رشد اقتصادی نرسیده باشد از طبقات پایین جامعه حمایت کند. بر همین اساس بود که وزارت رفاه و تامین اجتماعی در دولت اصلاحات تاسیس شد. همچنین در دولت خاتمی بیشتر بر توسعه سیاسی تاکید شد و لذا عدالت اجتماعی در اولویت بعدی قرار گرفت. در دولت محمود احمدی نژاد که با گفتمان عدالت روی کار آمده بود، عدالت اجتماعی نمود بیشتری یافت و در اولویت فعالیت‌های دولت قرار گرفت.

در بین دولت‌های مذکور در دولت احمدی نژاد اجرای طرح یارانه‌ها و سهام عدالت و توزیع عادلانه درآمدها و کاهش فاصله بین دهک‌های درآمدی نشان از تلاش بیشتر این دولت در راستای ایجاد عدالت اجتماعی دارد. احمدی نژاد در سخنان خود در سال ۱۳۸۴ به مصداق‌هایی از عدالت اجتماعی اشاره کردند و معتقد بودند: «...عدالت در توزیع فرصت‌ها و امکانات، تخصیص منابع برای مناطق مختلف به نسبت محرومیت‌ها، استعدادها و ظرفیت‌ها، رفع فقر و مبارزه با تبعیض و فساد در سازمان اداری سر لوحه اقدامات دولت خواهد بود.» (مراسم تنفیذ حکم

\_\_\_\_\_ بررسی میزان تحقق عدالت اجتماعی در دولت های پس از انقلاب...

ریاست جمهوری، ۱۳۸۴/۵/۱۲). از جمله نمونه‌های عینی و عملی اقدامات دولت احمدی‌نژاد، هدایت منابع بانکی در جهت ایجاد عدالت اجتماعی و اقتصادی بود و لذا دولت نهم این اقدامات را در این راستا انجام داد: ۱. کاهش نرخ سود بانک‌های دولتی و خصوصی؛ ۲. توجه به بخش کشاورزی و صنایع کوچک زود بازده؛ ۳. افزایش حقوق کارکنان دولت، معلمان و باز نشستگان. در دوران احمدی‌نژاد فاصله طبقاتی باید در بین طبقات مختلف کاهش یافته و منابع در اختیار همگان قرار می‌گرفت. احمدی‌نژاد با گفتمان اصول‌گرای عدالت خواه و با احیای ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب روی کار آمد. در این گفتمان دولت باید برای تحقق عدالت دخالت می‌نمود لذا طرح تحول اقتصادی، اعطای سهام عدالت و مسکن مهر و یارانه مدنظر قرار می‌گیرد. از نظر احمدی‌نژاد زمانی عدالت محقق می‌گردد که دولت‌ها در امر تولید مداخله کنند تا بتوانند برای افراد رفاه فراهم نمایند. به عبارت ساده تر ایشان راه وصول به عدالت را از بستر عدالت اجتماعی نشانه گرفته بود. احمدی‌نژاد به رفع تبعیض علاقه مند بود و فکر می‌کرد نخبگان نیاز به آزادی بیان دارند ولی طبقه متوسط به پایین نیاز به عدالت دارند. لذا به سمت خشنود سازی طبقه متوسط به پایین حرکت کرد هرچند در عمل چندان موفق نشد.

در دوران احمدی‌نژاد به دلیل نگاه محدود دولت، نهادهای مدنی که به تدریج وارد فاز تثبیت می‌شدند، با چالش‌های جدیدی رو به رو شده‌اند، با وجود پذیرش این نهادها در سخن دولتمردان، در عمل مانع رشد و ادامه حیات آنان می‌شوند. در این دوران با وجود شعارهای عدالت محورانه حرکت به سوی عدالت اجتماعی احساس نمی‌شود، زیرا این حرکت نیاز به ملزوماتی دارد که نه تنها چشم انداز روشنی برای آن تعریف نشده است که پس از گذشت چند ماه نهادهای مدنی به عنوان نماد کوچکی از حرکت‌های مردم محور با اتهامات متعددی چون براندازی نرم، دریافت پول از کشورهای خارجی، جاسوسی، ابزار دشمن و غیره مواجه شدند، بدین ترتیب شاهد به حاشیه رانده شدن این نهادها در مشارکت سیاسی در سپهر عمومی هستیم. در این مدت همواره انگشت اتهام مسؤولان به طرف نهادهای مدنی نشانه رفته است (حیدری و جمشیدی، ۱۳۹۵: ۱۵۲-۱۲۵). بر این اساس در این مقاله تلاش می‌شود تا شاخص‌های عدالت اجتماعی از دیدگاه امام خمینی (ره) در سه دولت‌هاشمی، خاتمی و احمدی‌نژاد مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد.

### ۱. چارچوب مفهومی

عدالت اجتماعی یکی از دلالت‌های مفهوم عدالت است که منظور از آن تخصیص «منصفانه» منابع در یک جامعه است. به این معنا قانون باید به سطح قابل قبولی از عدالت واقعی و رسمی دست یابد و باید توزیع منصفانه منابع و برابر فرصت‌ها را تضمین کند. عدالت با پسوند اجتماعی، درمقابل عدالت فردی به کار می‌رود. تعاریفی که اندیشمندان برای عدالت ارائه داده اند نظیر اعطای حقوق، مراعات شایستگی‌ها، مساوات، توازن اجتماعی، بی طرفی و وضع بایسته نوعاً با رویکرد اجتماعی آن می‌باشد. در فرهنگ علوم سیاسی آمده است: «عدالت اجتماعی یعنی با هر یک از افراد جامعه به گونه‌ای رفتار شود که مستحق آن است و در جایی جای داده شود که سزاوار آن است. به عبارت دیگر هر فرد بر اساس کار، امکانات فکری و ذهنی و جسمی بتواند از موقعیت‌های مناسب و نعمات برخوردار شود. همچنین عدالت اجتماعی یعنی کاربرد مفهوم عدل توزیعی نسبت به ثروت، دارایی، امتیازات و مزیت‌هایی که در یک جامعه انباشته شده است» (آقابخشی، ۱۳۷۴: ۳۱۷).

در اندیشه سیاسی غرب مسأله عدالت اجتماعی همواره مطرح بوده است. مهمترین وجه عدالت اجتماعی در اندیشه غرب به چگونگی توزیع عادلانه منابع کمیاب جامعه، یعنی قدرت، ثروت و حیثیت ناظر است. در دوران یونان باستان عدالت اجتماعی به محور اصلی فلسفه سیاسی تبدیل گردید. از ابتدای دوره مدرنیته نیز عدالت اجتماعی همچنان یکی از مباحث مهم در فلسفه سیاسی مدرنیته بود. مارکس و انگلس از جمله اندیشمندان دوران مدرن هستند که در بحث‌های خود با رویکرد خاصی به عدالت اجتماعی پرداخته‌اند. در دیدگاه رادیکالیسم کارل مارکس و انگلس و بسیاری از هم‌اندیشان آن‌ها که متعلق به این نحله فکری‌اند عمدتاً از دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا به بحث عدالت اجتماعی پرداخته‌اند. دیویدهاروی در کتاب خود «عدالت اجتماعی و شهر» مفهوم عدالت اجتماعی را به کمک معیارهایی مورد بررسی قرار داده است و بر تخصیص عادلانه منابع تأکید دارد. او معتقد است که منابع اضافی باید در جهت از میان برداشتن مشکلات ویژه ناشی از محیط‌های اجتماعی و طبیعی مصرف شود (شکویی، ۱۳۷۵: ۱۴۱).

در قرن بیستم نیز عدالت اجتماعی همچنان در کانون مباحث فلسفه سیاسی قرار دارد. در تئوری جان راولز، برجستگی بحث عدالت اجتماعی را می‌توان مشاهده کرد. در دیدگاه لیبرالیسم یکی از معروف‌ترین چهره‌ها، جان رالز است (هاروی، ۱۳۷۶: ۲۱). جوهر اندیشه رالز

\_\_\_\_\_ بررسی میزان تحقق عدالت اجتماعی در دولت های پس از انقلاب...

«عدالت به عنوان انصاف» است. وی در پرتو مفهوم اخلاقی عدالت، جامعه مطلوب خود را بر پایه دو اصل تصویر می‌کند: اصل نخست از آزادی‌های برابر و فرصت‌های برابر دفاع می‌کند و اصل دوم ناظر بر این نکته است که تحت چه شرایطی می‌توان گفت نابرابری‌های اجتناب ناپذیر، موجه و عادلانه است (محمودی، ۱۳۷۶: ۱۳۰). به‌طور کلی پیروان مکتب لیبرالیسم به عدالت اجتماعی بیشتر به عنوان وسیله‌ای برای «حفظ وضع موجود» می‌نگرند و نه به عنوان یک فضیلت اخلاقی و یک وظیفه انسانی. همچنین توجه به بحث «توزیع عادلانه» بیش از «شیوه تولید عادلانه» در آثارشان مشهود است.

همچنین یکی از دیدگاه‌هایی که در اندیشه غرب به مساله عدالت اجتماعی پرداخته شده است دیدگاه آنارشیسم می‌باشد. در دیدگاه آنارشیسم معروف‌ترین چهره پیتر کروپوتین، معتقد بود که زندگی مطلوب انسانی تنها با عدالت اجتماعی، تعاون و مهربانی میان مردم امکان‌پذیر است و بدون مساوات، عدالت وجود ندارد و بدون عدالت صلحی وجود نخواهد داشت (شکویی، ۱۳۷۵: ۹۰).

در اندیشه سیاسی اسلام نیز عدالت اجتماعی از جایگاه والایی برخوردار بوده است. فیلسوفان سیاسی مسلمان از جمله فارابی، ابن سینا و به ویژه خواجه نصیرالدین طوسی عدالت اجتماعی را مورد توجه خود قرار داده اند. عدالت اجتماعی در آثار اندیشمندان مسلمان با رویکرد خاصی مطرح شده است. با مراجعه به آموزه‌های اسلامی و دیدگاه‌های اسلام‌شناسان و متفکران مسلمان این مطلب به دست می‌آید که از دیدگاه اسلام، یکی از وظایف و رسالت‌های مهم دولت و حکومت، تلاش و دخالت دولت برای تحقق و گسترش عدالت اجتماعی است. اسلام ایجاد و بسط عدالت اجتماعی را یکی از مهم‌ترین اهداف و رسالت‌های خود قرار داده و یکی از وظایف اصلی و اساسی دولت و حکومت اسلامی را توجه به این امر و تلاش و برنامه‌ریزی برای تحقق و گسترش آن بر شمرده است (نادری‌قمی، ۱۳۹۶: ۳۰).

#### ۱-۱. عدالت اجتماعی در اندیشه امام خمینی(ره)

در اندیشه امام خمینی(ره) بعنوان فقیه و اسلام شناس قرن حاضر تأکیدات فراوانی پیرامون مسأله عدالت اجتماعی وجود دارد که در سخنرانی‌ها و پیام‌ها و مکتوبات ایشان مشهود است، هر چند امام، در مکتوبات و سخنان خویش، مفهوم خاصی را از عدالت اجتماعی ارائه نمی‌دهد. «امام خمینی(ره) در آثار و بیانات خود به ارائه مفهوم خاصی از عدالت اجتماعی یا بعد اجتماعی آن نپرداخته اند.» (قاضی‌زاده، ۱۳۷۷: ۲۸۹). لیکن ایشان ضمن نام بردن از عدالت

اسلامی یا عدالت الهی از شاخص‌هایی سخن به میان می‌آورد که مروری بر آن‌ها نگارندگان را به برداشت امام خمینی(ره) از عدالت اجتماعی نزدیک می‌کند. «حمایت از فقرا و محرومین، رفع فقر و محرومیت از جامعه، پرهیز از تنگ نظری‌ها و افراط‌گری‌ها، احترام به مالکیت‌های و سرمایه‌های مشروع، ایجاد اطمینان و امنیت برای سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های سازنده» (کریمی، ۱۳۸۸: ۱۴۹). از نظر امام خمینی(ره) عدالت اجتماعی مربوط است به زندگی انسان در اجتماع، و لذا هرگونه بی‌عدالتی نسبت به وی باید برداشته شود و حقوق او به‌طور کامل برقرار گردد. بنابراین امام خمینی(ره) براساس چنین نگرشی به عدالت و ارتباط آن با آزادی و اختیار انسان، مبارزه‌ی سرسختانه با هرگونه جبریت و استبداد و ستم و نفی حقوق‌بندگان را در سرلوحه‌ی زندگی خود قرار دادند و همچنین بر حمایت از محرومان و مستضعفان جامعه و نفی شکاف طبقاتی نیز اصرار فراوان داشتند. از سوی دیگر، با حمایت از عقل و اختیار انسان آزادی بی‌حد و حصر لیبرالیستی را که موجب ظلم بر طبقات و اقشار محروم جامعه می‌شود، رد کرده و نگرش برابرگرایانه‌ی مطلق سوسیالیستی را نیز نمی‌پذیرفتند. لذا از دید ایشان باید به‌سویی حرکت کرد تا «همه‌ی افراد این ملت یک زندگی متوسطی داشته باشند.» (صحیفه‌نور، ج ۱۷: ۲۴۱).

## ۲-۱. شاخصه‌های عدالت اجتماعی در اندیشه امام خمینی(ره)

### ۱-۲-۱. کاهش فاصله طبقاتی

امام خمینی(ره) از جمله اندیشمندانی هستند که به کاهش فاصله طبقاتی به عنوان شاخص عدالت اجتماعی توجه نموده‌اند. ایشان درباره کاهش فاصله طبقاتی معتقدند: «قابل نشدن امتیاز برای قشرهای (خاص) مگر به امتیازات انسانی که خود آن‌ها دارند.» (صحیفه نور، ج ۸: ۱۱۴). یا در جای دیگری در این خصوص می‌فرمایند: «در اسلام هیچ امتیازی بین اشخاص غنی و غیرغنی، اشخاص سفید و سیاه، اشخاص [و] گروه‌های مختلف، سنی و شیعه، عرب و عجم، و ترک و غیرترک - به هیچ وجه - امتیازی ندارند. قرآن کریم امتیاز را به عدالت و به تقوا دانسته است کسی که تقوا دارد امتیاز دارد، کسی که روحیات خوب دارد امتیاز دارد؛... امتیاز به دارایی‌ها نیست. باید این امتیازات از بین برود؛ و همه مردم علی‌السواء هستند با هم.» (صحیفه نور، ج ۶: ۴۶۱). «... اسلام... عدالتش هم عبارت از این است که ملت‌ها همه به طور عدالت و به طور تساوی با هم زندگی بکنند.» (صحیفه نور، ج ۳: ۲۲۲).

\_\_\_\_\_ بررسی میزان تحقق عدالت اجتماعی در دولت های پس از انقلاب...

## ۲-۲-۱. بهره‌مندی از امکانات

از دیدگاه امام خمینی(ره) یکی از شاخص‌های عدالت اجتماعی ایجاد رفاه است، بنابراین متولیان جامعه باید درصدد ایجاد رفاه باشند: «همه اقشار ملت در جمهوری اسلامی باید در رفاه باشند.» (صحیفه نور، ج ۶: ۵۲۵). «کوشش داریم که تمام قشرهای ملت مان در رفاه باشند» (صحیفه نور، ج ۱۱: ۱۳۰). امام خمینی(ره) بارها لزوم سیاست گذاری جهت رفع فقر و خارج ساختن افراد و اقشار محروم از محرومیت و برنامه‌ریزی جهت تأمین نیازهای اساسی اقشار مستمند را بیان نموده و جهت‌گیری اقتصاد اسلام را حفظ منافع محرومین معرفی می‌کنند. «ارائه طرح‌ها و تبیین جهت‌گیری اقتصاد اسلام در راستای حفظ منافع محرومین و گسترش مشارکت عمومی آنان و... بزرگترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهیدستی به شمار می‌رود» (صحیفه نور، ج ۲۰: ۳۴۰).

## ۲. عدالت اجتماعی در برنامه‌های توسعه در دولت‌های هاشمی، خاتمی و احمدی نژاد

در هر یک از دولت‌های هاشمی، خاتمی و احمدی نژاد برای تحقق عدالت اجتماعی قوانینی در دستور کار قرار گرفته بود که دولت‌های مذکور در طراحی آنها نقش داشتند. در ۵ قانون برنامه توسعه ای موضوع عدالت اجتماعی لحاظ شده بود و به صورت دستور العمل درآمد. در واقع بخشی از قوانین توسعه لوایحی هستند که از سوی دولت‌ها به مجلس شورا تقدیم و پس از تصویب به صورت قانون در می‌آیند. عدالت اجتماعی در قانون برنامه اول توسعه مورد توجه قرار گرفت. در قسمت یکم این قانون درباره دستیابی به عدالت اجتماعی آمده بود: «ماده ۵: تلاش در جهت تأمین عدالت اجتماعی، ماده ۶: تأمین حداقل نیازهای اساسی آحاد مردم...، ماده ۷: تأمین حداقل نیازهای حیاتی و در صورت امکان تأمین آنها در حد کفایت و نیز تأمین نیازهای ضروری یا توجه به امکانات کشور.» (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قانون برنامه پنجساله اول توسعه جمهوری اسلامی ایران، مصوبات مجلس شورا).

همچنین در تبصره ۱۰ ماده واحده قانون توسعه دوم که در سال ۱۳۷۳ تصویب شد، آمده است که: «به منظور کمک به تأمین عدالت اجتماعی، کاهش فقر و محرومیت، ایجاد اشتغال و حمایت از بنگاه‌های اقتصادی کوچک، دولت مکلف است در جهت اجرای اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی ایجاد تعادل در سهم بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی در اقتصاد کشور، افزایش سهم فعالیت‌های اقتصادی بخش تعاونی و همچنین اجرای طرح‌های اشتغال‌زا (خود اشتغالی)، از

طریق پرداخت تسهیلات ارزان قیمت بانکی حمایت‌های لازم را به عمل آورد» (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قانون برنامه پنجساله دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران، مصوبات مجلس شورا). در برنامه دوم توسعه در بخش دوم هم به موضوع عدالت اجتماعی اشاره شده بود: «توسعه و بهبود کیفیت شرایط عمومی زندگی مردم شامل بهبود توزیع درآمد و ثروت و کاهش ضریب جینی.» (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قانون برنامه پنجساله دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران، مصوبات مجلس شورا)

در دوران خاتمی قانون توسعه سوم در ۱۳۷۹ تصویب شد. درباره تحقق عدالت اجتماعی در فصل پنجم این قانون، ماده ۳۶ آمده بود: «در اجرای اصل بیست و نهم (۲۹) قانون اساسی و به منظور توسعه عدالت اجتماعی، نظام تأمین اجتماعی با هدف حمایت از اقشار مختلف جامعه در برابر رویدادهای اقتصادی، اجتماعی و طبیعی و پیامدهای آن از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و ناتوانی‌های جسمی، ذهنی، روانی و نیاز به خدمات بهداشتی درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه‌ای و غیر آن (حمایتی و امدادی) حقی است همگانی و دولت مکلف است طبق قوانین، از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یکایک افراد کشور تأمین کند.» (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قانون برنامه پنجساله سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوبات مجلس شورا)

در قانون برنامه توسعه پنجم در دولت احمدی نژاد نیز به عدالت اجتماعی اشاره شده بود. در ماده ۹۵ این قانون آمده بود: «دولت مکلف است به منظور استقرار عدالت و ثبات اجتماعی، کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، کاهش فاصله دهک‌های درآمدی و توزیع عادلانه درآمد در کشور و نیز کاهش فقر و محرومیت و توانمندسازی فقرا، از طریق تخصیص کارآمد و هدفمند منابع تأمین اجتماعی و یارانه‌ای پرداختی، برنامه‌های جامع فقرزدایی و عدالت اجتماعی را با محورهای ذیل تهیه و به اجرا بگذارد و ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون، نسبت به بازنگری مقررات و همچنین تهیه لوایح برای تحقق سیاست‌های ذیل اقدام نماید:

۱. گسترش و تعمیق نظام جامع تأمین اجتماعی، در ابعاد جامعیت- فراگیری و اثربخشی.
۲. اعمال سیاست‌های مالیاتی، با هدف باز توزیع عادلانه درآمدها.
۳. تعیین خط فقر و تبیین برنامه‌های توانمندسازی متناسب و ساماندهی نظام خدمات حمایت‌های اجتماعی، برای پوشش کامل جمعیت زیر خط فقر مطلق و نظام تأمین اجتماعی،



\_\_\_\_\_ بررسی میزان تحقق عدالت اجتماعی در دولت های پس از انقلاب...

برای پوشش جمعیت بین خط فقر مطلق و خط فقر نسبی و پیگیری و ثبت مستمر آثار برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی بر وضعیت خط فقر، جمعیت زیر خط فقر، همچنین میزان درآمد سه دهک پائین درآمدی و شکاف فقر و جبران آثار برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی به سه دهک پائین درآمدی از طریق افزایش قدرت خرید آنان. دولت موظف است کلیه خانوارهای زیر خط فقر مطلق را حداکثر تا پایان سال دوم برنامه به صورت کامل توسط دستگاه‌ها و نهادهای متولی نظام تأمین اجتماعی شناسائی و تحت پوشش قرار دهد.

۴. طراحی برنامه‌های ویژه اشتغال، توانمندسازی جلب مشارکت‌های اجتماعی آموزش مهارت‌های شغلی و مهارت‌های زندگی، به ویژه برای جمعیت‌های سه دهک پائین درآمدی در کشور.

۵. ارتقاء مشارکت نهادهای غیردولتی و مؤسسات خیریه، در برنامه‌های فقرزدایی و شناسائی کودکان یتیم و خانواده‌های زیر خط فقر، در کلیه مناطق کشور توسط مدیریت‌های منطقه‌ای و اعمال حمایت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای افراد یاد شده توسط آنان و دستگاه‌ها و نهادهای مسؤول در نظام تأمین اجتماعی.

۶. امکان تأمین غذای سالم و کافی در راستای سبد مطلوب غذایی و تضمین خدمات بهداشتی، درمانی و توان بخشی رایگان و تأمین مسکن ارزان قیمت، همچنین حصول اطمینان از قرار گرفتن جمعیت کمتر از هجده سال تحت پوشش آموزش عمومی رایگان برای خانوارهای واقع در سه دهک پائین درآمدی، از طریق جابه جایی و تخصیص کارآمد منابع یارانه‌ها.

۷. فراهم کردن حمایت‌های حقوقی، مشاوره‌های اجتماعی و مددکاری، برای دفاع از حقوق فردی، خانوادگی و اجتماعی فقرا...» (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰)، مصوبات مجلس شورا).

۳. نحوه اجرای شاخصه های عدالت اجتماعی از دیدگاه امام خمینی(ره) در

دولت‌های هاشمی، خاتمی و احمدی نژاد

۳-۱. کاهش فاصله طبقاتی در دولت‌های مذکور

از بین بردن فاصله طبقاتی به عنوان راهکاری برای تحقق عدالت اجتماعی در هر جامعه می تواند آن جامعه را در رسیدن به عدالت اجتماعی یاری نماید. در اندیشه امام خمینی(ره) یکی از راههای ایجاد عدالت اجتماعی کاهش فاصله طبقاتی است که مورد توجه دولت‌های هاشمی،

خاتمی و احمدی نژاد قرار گرفت. در واقع گسترش نظام به شدت طبقاتی اقتصادی- اجتماعی از دیدگاه این دولت‌ها از اهداف اولیه انقلاب اسلامی فاصله داشت لذا هر کدام از آن‌ها تلاش نمودند تا اقداماتی را در این راستا انجام دهند. از جمله اقداماتی که دولت‌های مذکور در این خصوص انجام دادند، تلاش در جهت توزیع عادلانه درآمدها بود. توزیع درآمد عبارتست از تقسیم محصول ناخالص ملی بین عوامل تولیدی که در تشکیل و پیدایش ارزش افزوده شرکت داشته‌اند و به عبارت دیگر توزیع درآمد در اقتصاد چگونگی تقسیم درآمد ملی بین گروه‌ها و طبقات اجتماعی در نتیجه عملکرد نظام اقتصادی را بیان می‌کند و منظور از توزیع عادلانه درآمد تغییر شکل درآمدهای واقعی به صورتی است که فاصله طبقاتی کاهش یابد (رحیمی، ۱۳۵۱: ۱۵). توزیع درآمد تحت تاثیر عوامل به وجود آورنده درآمد خانوار، شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور و سیاست‌های دولت در زمینه توزیع درآمد قرار دارد. برای اندازه گیری نابرابری توزیع درآمد می توان از شاخص‌های متفاوتی استفاده نمود که ضریب جینی و نسبت سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین افراد به ۱۰ درصد فقیرترین افراد از جمله متداول ترین این شاخص‌ها می باشد. ضریب جینی شاخصی است بین صفر و یک، برای نشان دادن میزان نابرابری در جامعه که اگر مساوی با عدد صفر باشد به این معنا است که همه ثروت یکسان دارند و اگر مساوی با عدد یک باشد یعنی نابرابری مطلق وجود دارد. بر اساس آمارهای رسمی بانک مرکزی از ضریب جینی این شاخص در دولت‌های هاشمی رفسنجانی از ۴۰۹۲٪ در سال ۱۳۶۸ ابتدا به ۳۹۶۹٪ در سال ۱۳۶۹ کاهش یافته، سپس در سال ۱۳۷۰ به ۳۹۹۶٪ افزایش یافته است. ضریب جینی سپس در سال ۱۳۷۱ به عدد ۳۸۷۰٪ کاهش یافته، ولی از سال ۷۲ مجدداً روند صعودی داشت تا اینکه در سال ۱۳۷۴ به ۴۰۷۴٪ افزایش یافت. عملکرد ضریب جینی در دولت خاتمی طی سال‌های ابتدایی دولت روند صعودی داشته و به ۴۱۹۱٪ در سال ۱۳۸۱ رسید و در پایان دولت اصلاحات یعنی در سال ۱۳۸۴ به ۴۰۲۳٪ رسید. در دولت احمدی نژاد ضریب جینی کاهش یافت. بانک مرکزی جمهوری اسلامی با انتشار گزارشی مبنی بر این که فاصله طبقاتی در دولت نهم نسبت به دولت خاتمی کاهش یافته است، اعلام کرد، شاخص ضریب جینی در ایران در سال ۱۳۸۴ برابر ۴۰۲۳٪ سال ۱۳۸۵ برابر ۴۰۰۴٪ و سال ۱۳۸۶ برابر ۴۰۴۵٪ بوده است. این در حالی است که شاخص ضریب جینی در ایران در سال ۱۳۸۱ برابر ۴۱۹۱٪ سال ۱۳۸۲ برابر ۴۱۵۶٪ و سال ۱۳۸۳ برابر ۳۹۹۶٪ بوده است که با این حساب متوسط ضریب جینی در سه سال آخر دولت هشتم ۴۱۱۴٪ می‌شود که در مجموع نشان می‌دهد، ضریب جینی در دولت نهم با کاهش دو درصدی مواجه شده است. به‌طور کلی با رجوع به

\_\_\_\_\_ بررسی میزان تحقق عدالت اجتماعی در دولت های پس از انقلاب...

آمارهای موجود درباره کاهش ضریب جینی شاهد بیشترین کاهش در سال های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ هستیم. در جدول (۱) آمار مربوط به تغییرات ضریب جینی و سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین در طول سال های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۲ عنوان گردیده است. این قسمت اطلاعات مربوط به شاخص های فوق را در مناطق شهری نشان می دهد. منبع این آمارها اداره تحقیقات و مطالعات آماری بانک مرکزی می باشد.

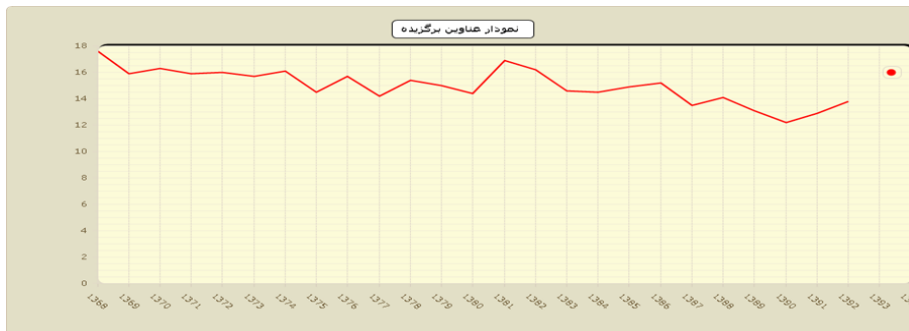
جدول ۱: درصد ضریب جینی و سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین در سال های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۲

عنوان	۱۳۶۸	۱۳۷۲	۱۳۷۶	۱۳۸۰	۱۳۸۴	۱۳۸۸	۱۳۹۲
ضریب جینی (بدون واحد)	۰/۴۰۹۲۰	۰/۳۹۷۶۰	۰/۴۰۲۹۰	۰/۳۹۸۵۰	۰/۴۰۲۳۰	۰/۳۹۳۹۰	۰/۳۹۵۲۰
سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین (بدون واحد)	۱۷/۶۰	۱۶/۰۰	۱۵/۷۰	۱۴/۴۰	۱۴/۵۰	۱۴/۱۰	۱۳/۸۰

(بانک مرکزی، آمار و داده ها، بانک اطلاعات سری های زمانی اقتصادی- امور اجتماعی- توزیع درآمد)

در مورد سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین نیز از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۹۲ نمودار زیر نشان دهنده تغییرات سالانه از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۲ می باشد، که نشان می دهد، این شاخص در سال ۱۳۸۱ بالاترین میزان افزایش و در سال ۱۳۹۰ بالاترین میزان کاهش را داشته است.

نمودار ۱: سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۹۲



(بانک مرکزی، آمار و داده ها، بانک اطلاعات سری های زمانی اقتصادی- امور اجتماعی- توزیع درآمد)

کاهش ضریب جینی طی سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ تا حدود زیادی متاثر از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و توزیع یکسان یارانه نقدی و اعطای سهام عدالت و مسکن مهر به خانوارهای ایرانی بوده است. از آن جهت که یارانه پرداختی به همه گروه‌های درآمدی یکسان بوده است و این یارانه وضعیت دهک‌های پایین درآمدی را نسبت به دهک‌های بالاتر بهبود داده است. هدفمندی یارانه‌ها طرحی بود که در اوایل دولت هاشمی مطرح شد و در دولت اصلاحات پشت گوش انداخته شد تا اینکه دولت محمود احمدی‌نژاد آن را اجرا کرد. هدفمندی یارانه‌ها در ایران یکی از مهمترین بخش‌ها و نمایان‌ترین بخش طرح تحول اقتصادی بود که به تغییر فرایند دادن یارانه‌ها انجامید. در این فرایند با حذف تدریجی یارانه‌ها از مواد سوختی، مواد خوراکی، آب، برق و سایر اقلام در ایران، بخشی از این یارانه‌های حذف شده به صورت نقدی به مردم پرداخت می‌شد و سایر درآمد این کار صرف کارهای عمرانی و فرهنگی می‌شد و هدف از اجرای آن کاهش فاصله دهک‌های درآمدی بود. سهام عدالت نیز نوعی یارانه بود که طبق نظر دولت نهم، از طریق شرکت‌های تعاونی عدالت استانی به مشمولان آن واگذار می‌شد. در آبان ماه سال ۱۳۸۵ محمود احمدی‌نژاد در یک مراسم دولتی، واگذاری سهام عدالت را با هدف «کاهش فقر» اعلام کرد. احمدی‌نژاد واگذاری سهام عدالت را «تحولی بزرگ» می‌دانست که به عقیده وی مبنای آن «توزیع عادلانه ثروت دولت بین قشرهای مختلف جامعه بود». بنا بر طرح «سهام عدالت»، بخشی از سهام شرکت‌های دولتی معین، به قشرهای کم درآمدتر فروخته می‌شد. مهمترین اهداف دولت نهم از اجرای طرح توزیع سهام عدالت چنین بیان شده است: «توزیع متعادل ثروت ملی و گسترش مالکیت در سطح عموم به منظور تامین عدالت اجتماعی، متکی به خود نمودن خانواده‌های نیازمند و کاهش وابستگی آنان به کمک‌های دولت از طریق نهادهای حمایتی، ایجاد درآمد دراز مدت برای خانواده‌های کم درآمد، تشویق به پس انداز و سرمایه‌گذاری منجر به بهبود درآمد خانوارها» (صفری شالی، ۱۳۹۲: ۶۵۱). در مرحله اول واگذاری سهام عدالت به برخی از افراد تحت پوشش کمیته امداد، سازمان بهزیستی و رزمندگان بیکار فاقد شغل تقسیم شد و برگه‌هایی به‌عنوان برگه سهام عدالت نیز به مشمولان طرح سهام عدالت داده شد. ارزش این برگه‌ها در ابتدا ۵۰۰ هزار تومان سهام بود که بعد به یک میلیون تومان افزایش یافت. قرار بود که برای گروه‌های کم درآمد، نیمی از قیمت هر سهم تخفیف داده شود و نیمی دیگر نیز به مدت ده سال از محل سود شرکت بازپرداخت گردد.

\_\_\_\_\_ بررسی میزان تحقق عدالت اجتماعی در دولت های پس از انقلاب...

مسکن مهر نیز طرحی بود در دولت محمود احمدی‌نژاد برای خانه‌دار کردن قشرهای کم درآمد که طبق آن دولت با واگذاری زمین رایگان سعی داشت خانه سازی را تشویق کند. این طرح پس از افزایش شدید بهای مسکن در ایران شروع شد. براساس این طرح، دولت می‌بایست از طریق اعطای تسهیلات خرید، پرداخت وام و ودیعه مسکن، احداث و عرضه مسکن اجاره‌ای، احداث و عرضه مسکن کوچک و واگذاری حق بهره برداری از زمین در بخش مسکن دخالت می‌کرد (شهبازی و گلشنی، ۱۳۹۵: ۱۰۶). در این راستا بر اساس سند راهبردی طرح جامع مسکن دولت قادر بود تا جهت اجرایی کردن طرح مسکن مهر، از طریق اعطای تسهیلات کم بهره ۴٪، ۷٪، ۹٪ سیاست‌های حمایتی خود در بخش مسکن را دنبال کند (حاتمی و کلاته، ۱۳۹۳: ۱۴). در این خصوص اقداماتی در دولت احمدی‌نژاد صورت گرفت. دولت در سال ۱۳۸۹ طرح مسکن زوج‌های جوان را نیز ارائه کرد. از آنجایی که تأمین مسکن اقشار نیازمند از اقدامات موثر در اجرایی کردن عدالت اجتماعی است دولت نگاه ویژه‌ای به این بخش داشت (تامین وام قرض الحسنه ودیعه مسکن برای مستاجران کم درآمد)، اختصاص تسهیلات مسکن به کارمندان و کارگرانی که درآمد آن‌ها کمتر از حدود ۲۵۰ هزار تومان در ماه است، تمدید مهلت پرداخت وام ۱۸۰ میلیون ریالی و اعطای مجوز پرداخت تسهیلات خرید مسکن به همه بانکها و همچنین تأمین منابع کافی با سود ۵ درصدی برای ساخت ۲۰۰ هزار مسکن روستایی در سراسر کشور از جمله این اقدامات است (غلامی، ۱۳۹۰: ۹۷). مجموع این اقدامات در دولت احمدی‌نژاد نشان می‌دهد که ایشان تلاش بیشتری در جهت رسیدگی به قشر متوسط به پایین جامعه در راستای تحقق عدالت اجتماعی و کاهش فاصله طبقاتی به انجام رساندند.

### ۲-۳. بهره‌مندی از امکانات در دولت‌های مذکور

یکی دیگر از اقداماتی که دولت‌های نامبرده شده باید در زمینه تحقق عدالت اجتماعی به انجام می‌رساندند، توزیع عادلانه امکانات برای ایجاد رفاه در بین مردم بود. بررسی‌ها نشان می‌دهند که در دولت پنجم و ششم، میزان بهره‌مندی خانواده‌ها از لوازم زندگی نظیر آب، برق، گاز شهری و تلفن در برخی شاخص‌ها افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است. در جدول زیر اقدامات ایجاد شده توسط دولت‌های مذکور مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۲: درصد برخورداری از امکانات از ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۲

عنوان	۱۳۶۸	۱۳۷۶	۱۳۸۴	۱۳۹۲
آب لوله کشی	۹۶/۲	۹۷/۴	۹۸/۱	۹۹/۴
برق	۹۹/۷	۹۹/۸	۹۹/۹	۱۰۰/۰
تلفن	۳۰/۲	۵۳/۵	۸۸/۱	۸۲/۲
فاضلاب شهری	-	۱۵/۴	۲۴/۹	۴۱/۲
حمام	۶۷/۳	۸۵/۳	۹۶/۰	۹۹/۳
دسترسی به گاز شهری	۱۷/۳	۸۵/۶	۵۸/۲	۹۲/۹

(بانک مرکزی، آمار و داده‌ها، بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی- امور اجتماعی- توزیع درآمد)

همانگونه که از اطلاعات جدول بالا بر می‌آید، بهره‌مندی از آب لوله کشی، برق، فاضلاب و حمام در مناطق شهری درصد تفاوت قابل ملاحظه‌ای را نشان نمی‌دهد اما بهره‌مندی از تلفن و گاز شهری بالاترین میزان را نشان می‌دهد که بهره‌مندی از تلفن از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ از ۳۰/۲ به ۵۳/۵ رسید. دسترسی به گاز شهری نیز در طی این دوره از ۱۷/۳ در سال ۱۳۶۸ درصد به حدود ۵۸/۲ درصد در سال ۱۳۷۶ افزایش یافت. همچنین از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ بهره‌مندی از تلفن از ۳۰/۲ به ۵۵/۳ و دسترسی به گاز شهری از ۵۸/۲ به ۸۵/۶ رسید. در مجموع دولت‌ها شمی در زمینه بهره‌مندی از امکانات از جمله، بهره‌مندی از تلفن و دسترسی به گاز شهری تلاش بیشتری انجام شده است.

### نتیجه‌گیری

هدف و مقصد اصلی در این نوشتار بررسی و تبیین میزان تاثیر پذیری دولت‌های هاشمی، خاتمی و احمدی نژاد از اندیشه امام خمینی(ره) با رویکرد عدالت اجتماعی بود. برای تحقق چنین هدفی قسمتی از پژوهش به بررسی مفهوم عدالت اجتماعی در اندیشه سیاسی غرب و اسلام و در همان راستا عدالت اجتماعی از دیدگاه امام خمینی(ره) بعنوان یکی از فقه‌های بزرگ شیعه در قرن حاضر اختصاص یافت. ابتدا به بررسی مفهوم عدالت در اندیشه سیاسی غرب و اسلام پرداخته شد به دلیل این که پایه‌ها و زمینه‌های اولیه و اساسی نظریه پردازی در باب عدالت را تشکیل می‌دهند. پس از آن به شاخص بندی مفهوم عدالت اجتماعی در اندیشه امام

\_\_\_\_\_ بررسی میزان تحقق عدالت اجتماعی در دولت های پس از انقلاب...

خمینی(ره) به عنوان فیلسوف جهان اسلام پرداخته شد. زیرا اولاً تصور اساسی نگارندگان این نوشتار این است که اندیشه امام خمینی(ره) می‌تواند به عنوان سرچشمه معرفتی برای دولت‌های پس از انقلاب باشد. ثانیاً دولت‌های مورد بحث همواره خود را مدیون اندیشه امام خمینی(ره) می‌دانستند و اندیشه امام خمینی(ره) برای آن‌ها چونان بستری بود که دیدگاه‌های آن‌ها براساس این اندیشه شکل گرفته بود. در خلال این بحث مشخص شد که اشارات امام خمینی(ره) در بیانیه‌ها و سخنرانی‌های شان نشان می‌دهد که برای استقرار عدالت اجتماعی باید به توزیع عادلانه امکانات و همچنین رفع و کاهش فاصله طبقاتی پرداخت. در ادامه پس از بررسی میزان اجرای شاخصه‌های عدالت اجتماعی در هر یک از دولت‌های مذکور این نتیجه حاصل شد که هر سه دولت‌های هاشمی، خاتمی و احمدی نژاد در تلاش برای تحقق عدالت اجتماعی دارای برخی اشتراکات بنیانی و اساسی با اندیشه امام خمینی(ره) هستند.

برخی از دیدگاه‌های مشترک مورد توجه ما بین اندیشه امام خمینی(ره) و اقدامات دولت‌های مورد نظر به این شرح است. امام خمینی(ره) با تأکید بر کاهش فاصله طبقاتی و رفع محرومیت‌ها به عدالت اجتماعی تأکید داشتند لذا مولفه‌هایی مانند ضریب جینی، توزیع درآمدها در دولت‌های مورد نظر مورد توجه قرار گرفت. از سوی دیگر شاخص‌های عدالت اجتماعی بر اساس برنامه توسعه ای سه دولت و میزان عملیاتی شدنشان نشان می‌دهد که در بازه زمانی هر دولت دستاوردهای ارزشمندی در زمینه ارائه خدمات عمومی، ایجاد اشتغال، بهداشت، مسکن و... در راستای اندیشه امام خمینی(ره) انجام شده است.

هر سه دولت مذکور تلاش نمودند شاخصه‌های عدالت اجتماعی، را رشد داده تا اهداف امام (ره) را محقق سازند لکن این سه دولت از سه بستر وارد این هدف شدند. دولته‌های هاشمی توسعه اقتصادی را گفتمان خود قرار داد اما در عمل موفق به اجرای عدالت اجتماعی نشد. رهبر معظم انقلاب طی سال‌های استقرار دولت هاشمی، ضمن حمایت از فعالیت‌های مثبت دولت در بخش‌های مختلف از به حاشیه رفت عدالت اجتماعی و ترویج اشرافی‌گری در دولت گلایه می‌کردند. آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب پس از پایان اولین سال کار دولت اول هاشمی در تاریخ ۱۳۶۹/۶/۱، موضوع «عدالت اجتماعی» را صراحتاً مورد تأکید قرار داده و خطاب به رئیس‌جمهور و اعضای کابینه فرمودند: «ما باید در جهت کمک به محرومان جامعه حرکت کنیم... در وضع جامعه و نظام اجتماعی و تاریخ ما، کدام اقشار و کدام طبقات، بیشتر مورد ظلم و ستم و بی‌عدالتی قرار داشتند و عقب‌اند؟ باید به این‌ها کمک بشود. روشن است که قشرهای

پابره‌نه کشور، این‌گونه‌اند ... ثروت و همت و مدیریت و امکانات مادی و معنوی کشور، (باید) در جهت از خاک برکشیدن آن قشرهای محروم و مظلوم برود. در تمام برنامه‌های دولت، بایستی این معنا مورد توجه قرار بگیرد». ایشان همچنین سال بعد از آن در دیدار با کارگزاران نظام در ۱۳۷۰/۵/۲۳ با انتقاد شدید از افزایش روحیه اشرافی‌گری در میان مسؤولان می‌فرمایند: «اشراف مگر چگونه بودند؟ چون فقط آن‌ها ریششان را تراشیده بودند، ما ریشمان را گذاشته‌ایم، همین کافی است؟! نه، ما هم «مترفین» می‌شویم. والله در جامعه اسلامی هم ممکن است مترف به وجود بیاید. از آیه شریفه (و اذا اردنا ان نهلك قریه امرنا مترفیها ففسقوا فیها) بترسیم ... اندازه نگهدارید؛ دولت مخارجش زیاد و سنگین است». ایشان چند روز بعد از آن و در هفته‌ی دولت، خطاب به اعضای کابینه فرمودند: «مهم‌ترین مسأله دستگاه ما و نظام جمهوری اسلامی همان چیزی است که همه‌ی ما به آن معتقدیم و بارها گفته‌ایم؛ یعنی کوشش برای رفع فقر و محرومیت در جامعه و حمایت و کمک به طبقات مستضعف و محروم. واقعاً باید صحت برنامه‌ها را به این سنجید و دنبال این قضیه رفت و کارهای دیگر را در اولویت‌های بعد قرار داد. کارهای مربوط به طبقات محروم و مستضعفان جامعه - که تعدادشان هم زیاد است - حقاً و انصافاً یک حرکت اساسی را می‌طلبد». اوج هشدارهای رهبر انقلاب در این‌باره خطاب به رئیس‌جمهور و اعضای دولت را باید برهه‌ای دانست که کار این دوره از دولت به پایان رسیده و رهبر انقلاب در دیدار باهاشمی و اعضای کابینه در شهریورماه ۱۳۷۲ با تأکید ویژه بر مفهوم «عدالت اجتماعی» می‌فرمایند: «من هیچ اعتقادی به این معنا ندارم که جمهوری اسلامی از رسیدن به خواسته‌اش که تشکیل یک جامعه بر اساس عدالت اجتماعی و رفاه عمومی است، ناتوان است. من به‌هیچ‌وجه به این اعتقاد ندارم. به این‌که ما در این قضیه نیاز به تکیه‌ی به دیگران داریم هم اصلاً اعتقادی ندارم ... اساس اداره تشکیلات کشور نیز همین است که بارها تکرار شده: عدالت اجتماعی. در تمام آثار دینی که شما نگاه می‌کنید، هدف و غایت برای حرکت جامعه‌ی اسلامی، تشکیل جامعه‌ی عادلانه است. ... آنچه در درجه‌ی اول مطرح است، «عدالت» است که باید انجام گیرد».

دولت سید محمد خاتمی توسعه سیاسی را گفتمان اصلی خود قرار داده بود اما این دولت هم در عمل موفق به اجرای عدالت اجتماعی نشد. غافل شدن از مشکلات اولیه مردم و خصوصاً قشر مستضعف جامعه در دوران دولت اصلاحات گاهی با نهیب رهبر فرزانه انقلاب نیز مواجه می‌شد. ایشان بارها در این خصوص به دولتمردان تذکر می‌دادند و این مطالبه را داشتند که



\_\_\_\_\_ بررسی میزان تحقق عدالت اجتماعی در دولت های پس از انقلاب...

نباید اولویتهای اساسی و مشکلات اساسی مردم قربانی سیاسی کاری و مسائل حاشیه‌ای گردد که به عنوان نمونه به دو مورد از آنها در اینجا اشاره می‌شود: «مردم حقیقتاً مشکلات اقتصادی دارند، سختی دارند، نارسایی دارند، گرفتاری‌های زیادی دارند. خطر عمده این است که شما این را ندانید که امیدوارم بدانید!» (مقام معظم رهبری، ۴ دی ۱۳۷۸). «کدام نقض کرامت انسانی بالاتر از یک انسانی، رئیس یک عائله‌ای، پدر یک خانواده‌ای در جامعه‌ای که در آن جامعه همه چیز هم هست، نتواند اولیات زندگی فرزندان خودش را تأمین بکند؟! کدام تحقیر از این بالاتر است؟! صبح تا شب کار کند، آخرش هم به من نامه بنویسد، به شما، به آن مسؤول دیگر که من دو ماه است که در خانه‌ام گوشت نبرده‌ام!... مسأله معیشت قطعاً در اولویت اول است! معیشت که نبود، دین هم نیست، اخلاق هم نیست، حفظ عصمت و عفت هم نیست! معیشت که نبود، امید هم نیست. این اساس قضیه است. اینجاست مسائل اساسی جامعه.» (مقام معظم رهبری، ۲۹ خرداد ۱۳۷۹).

تکیه بر مدل اقتصاد سرمایه‌داری و نه اقتصاد اسلامی، سکانداری مجدد تکنوکرات‌ها در عرصه اقتصادی کشور همانند دولت سازندگی که عملاً اعتقادی به عدالت اجتماعی نداشتند، شایع شدن تجمل‌گرایی و ثروت‌اندوزی در میان برخی مدیران و مسؤولان، دست‌اندازی و خیانت برخی از مدیران به بیت‌المال و بسط یافتن فساد اقتصادی در کنار تفاخر و تکبر برخی دیگر از مسؤولان که خود را بالاتر از مردم می‌دانستند باعث شد در این ۸ سال نیز عملاً تحقق عدالت اجتماعی مورد غفلت واقع شده و شکاف‌های طبقاتی و فاصله فقیر و غنی کمتر نشود (ترکاشوند، ۱۳۹۳).

دولت محمود احمدی نژاد نیز با این که عدالت اجتماعی را هدف اصلی خود برای رساندن جامعه به اندیشه امام (ره) قرار دادند اما در عمل موفق به اجرای عدالت اجتماعی نشد. بر همین مبنا، مقام رهبری به کرات، وضع موجود کشور در دولت نهم را خالی از آفت و مشکل ندانسته و معتقد به وجود نیازهای فوری، خلأهای خطرناک و نقاط منفی و مشکلات اساسی در کشور بودند که در مسائلی مانند اشتغال، تورم و گرانی، وجود مناطق محروم، فساد، نیاز به امنیت سرمایه گذاری، نیاز به تثبیت جایگاه بین المللی، و ضرورت پیرایش چهره فرهنگی کشور نمود داشت. مقام رهبری در موارد متعددی، سفارش‌ها، توصیه‌ها و تذکرات لازم را به دولت نهم و کارگزاران آن به صورت شفاهی و کتبی ایفاد نمودند.

در مجموع طبق بررسی به عمل آمده در این مقاله تحقق عدالت اجتماعی مورد نظر در اندیشه امام خمینی (ره) در هرسه دولت مذکور در عمل چندان موفق نبود و تحقق عدالت اجتماعی برای رسیدن به قله مورد نظر هنوز راه درازی در پیش دارد و اگرچه دولت‌های مذکور از کانال‌های مختلف تلاش‌هایی در این راستا انجام دادند اما چالش‌های پیش روی این دولت‌ها تا به امروز ادامه یافته است. این مسأله در واقع به خاطر این بوده است که برای تحقق و اجرای عدالت اجتماعی تنها اقدامات دولت‌ها کافی نخواهد بود و تا قبل از انجام آن باید موانع گسترده از پیش رو برداشته شود. این بدان معناست که تا سیستم دچار فساد اداری و بوروکراسی و موانع دیگر باشد نمی‌توان از برقراری عدالت اجتماعی سخن گفت. هر کدام از این سه دولت برای رساندن جامعه به قله عدالت مورد نظر امام(ره) تلاش زیادی نمودند، لکن برای رسیدن به این قله باید موانع و چالش‌های زیادی را از پیش روی خود بر می‌داشتند. این چالش‌ها عبارت بودند از؛ بوروکراسی اداری، فساد اقتصادی، فساد سیستمی، رانت خواری، اختلاس. این چالش‌ها همچنان پیش روی نظام و دولت‌های آینده ادامه خواهد داشت و به نظر می‌رسد تنها راهکار غلبه بر این چالش‌ها تقویت و بسط بخش خصوصی می‌باشد. به طور کلی هیچ یک از دولت‌های پس از انقلاب اسلامی در حوزه تحقق عدالت اجتماعی نمونه کامل و آرمانی اجرای اندیشه امام (ره) نبوده‌اند. هرچند این دولت‌ها، در تکامل جبران نقائص یکدیگر مطرح و تثبیت شده‌اند.

### فهرست منابع

- آقابخش، علی و افشاری راد، مینو (۱۳۷۴). **فرهنگ علوم سیاسی**، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- ترکاشوند، حبیب (۱۳۹۳). «واکاوی نگاه دولت خاتمی نسبت به مقوله عدالت اجتماعی، سایه توسعه سیاسی بر عدالت اجتماعی در دولت اصلاحات»، تهران: **خبرگزاری فارس**، ۱۳۹۳/۳/۹.
- حاتمی، عباس و کلاته، فرزاد (۱۳۹۳). «دولت در پیرامون و پیرامون در دولت، سندروم‌های در هم تنیدگی اقتصاد، سیاست و اجتماع»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره ۶۳، بهار، صص ۳۶-۷.
- حیدری، نصرت اله و جمشیدی، محسن (۱۳۹۵). «نقش و جایگاه سازمان‌های مردم نهاد در مشارکت سیاسی در دوران‌های ریاست جمهوری خاتمی، احمدی نژاد و روحانی»، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، سال دوازدهم، شماره ۳۶، پاییز، صص ۱۵۲-۱۲۵.

\_\_\_\_\_ بررسی میزان تحقق عدالت اجتماعی در دولت های پس از انقلاب...

رحیمی، زهرا (۱۳۵۱). چگونگی توزیع درآمد خانوارهای شهرهای در ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

شکویی، حسین (۱۳۷۵). اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، تهران: گیتاشناسی شهبازی، عزیزاله و گلشنی، علیرضا (۱۳۹۵). «سیکل تجاری، سیاسی: مورد مطالعه دولت‌های سید محمد خاتمی و محمود احمدی نژاد»، رهیافت انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۵، تابستان، صص ۸۷-۱۱۲.

صفری شالی، رضا (۱۳۹۵). «گفتمان عدالت دولت‌های پس از انقلاب در حوزه سلامت»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره ۴، زمستان، صص ۸۹-۱۱۴.

غلامی، مهدی (۱۳۹۰). «انسجام فکری نخبگان سیاسی درون حاکمیت و ثبات در نظام سیاسی؛ از دوره ریاست جمهوری سیدمحمد خاتمی تا دوره اول ریاست جمهوری احمدی نژاد»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم سیاسی واحد تهران مرکزی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.

غلامی انتاج امیری، سعید (۱۳۸۵)، «آسیب شناسی برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور بعد از انقلاب اسلامی»، پژوهشنامه اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۳، بهمن ماه، صص ۱۲-۷. قاضی زاده، کاظم (۱۳۷۷)، اندیشه‌های فقهی - سیاسی امام خمینی(ره)، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.

کریمی، مظفر (۱۳۸۸). راهبردهای تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

موسوی خمینی، امام سید روح... (۱۳۸۵)، صحیفه امام خمینی(ره)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.

محمودی، سیدعلی (۱۳۷۶). عدالت و آزادی، تهران: مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر. نادری قمی، محمدمهدی (۱۳۹۶). «دولت و عدالت اجتماعی؛ مقایسه دیدگاه اندیشمندان مسلمان و غربی»، معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۳۰، بهار، صص ۱۲۶-۱۰۵.

هاروی، دیوید (۱۳۷۶). عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان و همکاران، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری شهرداری تهران.

مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۶۸). قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوبات مجلس شورا: ۱۳۶۸/۱۱/۱۱.

مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۷۳). قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوبات مجلس شورا: ۱۳۷۳/۹/۲۰.

- 
- فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال دهم، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۹۷
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۷۹). قانون برنامه پنج ساله سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوبات مجلس شورا: ۱۳۷۹/۱/۱۷.
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۸۳). قانون برنامه پنج ساله چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوبات مجلس شورا: ۱۳۸۳/۶/۱۱.
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۸۹). قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، مصوبات مجلس شورا: ۱۳۸۹/۱۰/۱۵.
- مرکز آمار، نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵-۱۳۹۰.
- مرکز آمار، فهرست نشریات، ایران در آئینه آمار، ۱۳۸۵-۱۳۶۵.
- بانک مرکزی، آمار و داده‌ها، بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی، امور اجتماعی.
- بانک مرکزی، آمار و داده‌ها، بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی، توزیع درآمد.